

آسیب شناسی الگوی عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی

جعفر رضایی*
 علی علی حسینی**
 سیدجواد امام جمعه زاده***
 علیرضا آقا حسینی****

چکیده

عدالت از کانونی‌ترین آموزه‌های قرآنی و اسلامی است که در اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی رهبران انقلاب اسلامی همانند امام خمینی و شهید آیت الله مطهری بازتاب بسیاری یافته است. اما به رغم آن که شعار عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیاست‌های اصلی دولت‌های بعد از انقلاب بوده، مسئله عدالت در کارنامه جمهوری اسلامی تا به امروز وضعیت مطلوبی نداشته است. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که چرا با همه سفارش‌هایی که در آموزه‌های دینی و تاکید رهبران انقلاب در باب عدالت اجتماعی و مباحث مربوط به آن وجود دارد عدالت در جامعه ما حضوری شایسته ندارد؟ در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تلاش می‌شود با تاکید بر عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب اجرای برنامه‌های توسعه دولت‌های بعد از انقلاب مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته، تا میزان انحراف آن‌ها از مفهوم عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب روشن شود و

jafar.rezaei1347@yahoo.com
 a.alihosseini@ase.ui.ac.ir
 javademam@ase.ui.ac.ir
 a.aghahosseini@ase.ui.ac.ir
 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

* - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
 ** - دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
 *** - دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
 **** - دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
 تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۵/۲۳

آسیب‌های ایجاد شده شناسایی و راه کارهای اصلاح برای تقویت و تداوم حیات و استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هموار گردد.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، برنامه‌های توسعه، آسیب شناسی و رهبران انقلاب

مقدمه

از آنجا که عدالت به عنوان محور فلسفه سیاسی اسلام ناظر به تعامل درونی همه اجزا و ساختارهای برای نیل به هدف نهایی انسان و جامعه می‌باشد آن‌ها در صورت عادلانه بودن نظام سیاسی است که م شروعیت آن نظام منبعث از آن و ساختارهای قدرت سیاسی آن توجیه پذیر می‌گردد. از این رو با پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی و بر اساس ایدئولوژی اسلام شیعی نگاه به موضوع عدالت به مثابه یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی در راس برنامه‌های مهم قرار می‌گیرد. اما این مسئله در طی چهار دهه گذشته با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. از این رو باید برنامه‌های توسعه در دولت‌های بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته، با شناختن آسیب‌ها، آفت‌ها و موانع استمرار جمهوری اسلامی هموار گردد.

عدالت از کانونی‌ترین آموزه‌های قرآنی و اسلامی است که در اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی رهبران انقلاب اسلامی همانند امام خمینی و مطهری بازتاب بسیاری یافته است. اما به رغم آن که شعار عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیاست‌های اصلی و محوری دولت‌های بعد از انقلاب بوده، رهبران انقلاب (امام خمینی، مطهری و آیت الله خامنه‌ای) بر آن تاکید داشته مسئله عدالت در کارنامه جمهوری اسلامی ایران تا به امروز وضعیت مطلوبی نداشته است. براین اساس، این پرسش مطرح می‌شود که چرا با همه سفارش‌هایی که در آموزه‌های دینی، تاکید رهبران انقلاب در باب عدالت اجتماعی و مباحث مربوط به آن وجود دارد عدالت در جامعه ما حضوری شایسته ندارد؟

آسیب شناسی عدالت یکی از ضرورت‌های گریزناپذیر پژوهشی در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید و شناسایی مصادیق بی‌عدالتی و تلاش برای رفع آن‌ها امری ضروری است. مسائلی از قبیل: عدم دسترسی مناسب مردم به امکانات، منابع و فرصت‌ها، توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، وجود ویژه خواری و انحصارات اطلاعاتی و اقتصادی، ظهور پدیده شهروند درجه یک و درجه دو، نابرابری جوامع شهری و روستایی در برخورداری از رفاه و معیشت، تبدیل حاشیه نشینی و حاشیه‌گرینی و حاشیه روی به هنجار اجتماعی، عدم بهره‌وری مناسب از عوامل تولید، نابرابری‌ها در زمینه اقتصادی،

فرهنگی، سیاسی و ... به عنوان مصادیق بی‌عدالتی هستند که تلاش در راستای رفع آن‌ها ضروری است. علاوه آنکه مسائلی نظیر اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی، فزون‌خواهی، جاه‌طلبی آفات اجرای عدالت خواهند بود.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تلاش می‌شود با تاکید بر عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب، برنامه‌های توسعه در دولت‌های بعد از انقلاب مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته، تا میزان انحراف برنامه‌ها و عملکرد دولت‌ها از مفهوم عدالت در اندیشه رهبران انقلاب (امام خمینی، مطهری و رهبری) روشن شود و آسیب‌های ایجاد شده شناسایی و راه کارهای اصلاح برای تقویت و تداوم حیات و استمرار نظام جمهوری اسلامی هموار گردد.

چارچوب نظری

۱. عدالت در اندیشه سیاسی آیت الله شهید مطهری

مرتضی مطهری از جمله اندیشمندانی است که در باب عدالت بحث کرده و تقریباً همه جنبه‌های آن را مورد بررسی قرار داده است. عدل از دیدگاه مطهری، مفهومی چند بعدی است. عدل نوعی جهان بینی است که در ارتباط با عقل و در ردیف کتاب و سنت است و در ارتباط با امامت و رهبری یک شایستگی است و نسبت به اخلاق آرمانی اخلاقی است. در مقابل اجتماع یک مسئولیت است و در مقایسه با نبوت و تشریح قانون مقیاس و معیار قانون شناسی است. (کیخا، ۱۳۸۹: ۱۱) در کتاب عدل الهی معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری را «رعایت استحقاق‌ها و اعطا کردن به هر ذی حقی آنچه استحقاق آن را دارد» می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶) در واقع در نظر مطهری مفهوم عدالت رعایت حقوق افراد و اعطاء حق به صاحب حق است. حق طبیعی و قرآن به عنوان منابع کشف عدالت بوده، و بحث عدالت ابعاد وسیعی را در بر می‌گیرد.

استاد مطهری در کتاب‌های «عدل الهی»، «اسلام و مقتضیات زمان»، «نظام خانواده و زن در اسلام» و «ده گفتار» در مقام تبیین مفهوم عدالت سعی می‌کند با توجه به تنوع کاربرهای عدل در فضاهای مختلف آن را تفسیر نماید و لذا چهار معنا برای عدل بیان می‌کند:

۲. موزون بودن و تعادل:

یک اجتماع متعادل به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی احتیاج دارد. این کارها باید میان افراد تقسیم شده و برای هر کدام به قدر لازم کارگزار گماشته شود و بودجه و نیرو

صرف گردد. عالم هستی موزون و متعادل است. اگر چنین نبود برپا باقی نمی ماند و این نظم و تناسب و حساب معین در آن نبود، چنان که حدیث نبوی هم به این مطلب اشاره می نماید: «بالعدل قامت السموات و الارض». نقطه مقابل عدل در این معنا بی تناسبی است نه ظلم چون بحث عدل به معنای تناسب در برابر بی تناسبی در کل نظام عالم است در حالی که عدل در مقابل ظلم ملاحظه هر جز و حقوق فردی مطرح می شود. عدل به معنای تناسب و توازن در نظام عالم از شئون خداوند حکیم می باشد. بر طبق فرمایش قرآن کریم، آفرینش جهان هستی دارای صفت عدالت به معنای فوق الذکر است و به معنای، جهان موزون و متعادل است و در غیر این صورت، نباید در جهان، نظم و جریانات معینی وجود داشت. این معنا بر طبق نظر مفسران در آیه ۷ سوره «رحمن» ذکر شده است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»

۳. تساوی و نفی هرگونه تبعیض

مقصود از عدالت، و رعایت تساوی در زمینه استحقاق هایی می باشد که افراد از آن برخوردارند که این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت ها بین افراد است (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۷).

طبق این تعریف بین عدل و مساوات هیچ تفاوتی نیست. به نظر حکمای اسلامی این تعریف تنها در محدوده مضیق استحقاق های متساوی (یعنی حقوق اولیه منبعت از علت غایی، که در جای خود بدان اشاره خواهد شد)، می توان متضمن عدالت باشد و در غیر این صورت، یعنی نبود استحقاق های مساوی که چندان هم غیر متحمل نیست، برقراری مساوات عین ظلم و ناقص عدل می شود. چنانچه به تعبیر استاد مطهری «اگر اعطای بالسویه عدل باشد، منع السویه هم عدل خواهد بود» (پیغامی، ۱۳۸۷: ۱۷۸). اما چنانچه منظور این باشد که عدالت به معنای تساوی در زمینه استحقاق های مساوی است، صحیح خواهد بود.

بنابراین، این گونه مساوات، از لوازم عدالت است و این معنای عدالت به معنای قبلی عدالت یعنی رعایت استحقاق ها باز می گردد. در زمینه اقتصادی، عدالت در این اصطلاح به معنای «ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان است» (مطهری، ۱۴۳۵ ق: ۱۵۶)

رعایت حقوق افراد و عطاء کردن حق به ذی حق: در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگری) قرار می گیرد. آنچه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شده و همگان آن را محترم بشمارند همین معناست. ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری و نسبت به خداوند محال می باشد چون او مالک علی الاطلاق بوده و هیچ چیز در مقایسه

با او اولویت ندارد. مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو امر می‌داند، یکی حقوق و اولویت‌ها که نمی‌از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کند و دیگر این که خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که در دستیابی به مقاصد و سعادت خود با استفاده از اندیشه‌های اعتباری به عنوان آلت فعل بهره می‌برد، لذا برای رسیدن افراد جامعه به سعادت باید یکسری حقوق و اولویت رعایت شود.

۴. رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه به آن چه که امکان وجود دارد:

عادل بودن پروردگار نزد حکمای الهی به این امر است که در نظام تکوین به هر موجودی به اندازه قابلیت آن کمالات وجودی افاضه می‌کند، او از موجودی که استحقاق و قابلیت دارد، منع فیض نمی‌کند. این معنای عدل صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۷)

در واقع تعریف مورد قبول عدل از دیدگاه مرتضی مطهری تعریف سوم است. الگویی که می‌تواند در حوزه عدالت فردی و هم در بعد اجتماعی آن به کار گرفته شود، همان تعریف سوم (رعایت حقوق) است که بنا بر مساوات در قانون افراد بشر باید به یک چشم نگاه شوند، قانون بین افراد تبعیض قایل نشود بلکه استحقاق‌ها را رعایت کند. افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن‌ها به مساوات رفتار کند. پس افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند قانون هم نباید با آن‌ها مساوی رفتار کند بلکه مطابق شرایط خودشان با آن‌ها رفتار نماید.

در پایان می‌توان گفت که عدالت از نظر مرتضی مطهری یک آرمان اخلاقی و اجتماعی است که بشر ذاتاً به آن گرایش دارد و در همه‌ی زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عدل الهی که شامل حال بندگان می‌شود ساری و جاری است و آن را محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌داند. نگاه مرتضی مطهری به عدالت بر گرفته از آموزه‌های اسلامی است. در واقع استدلال مطهری در زمینه عدالت علاوه بر پایه‌های استدلالی و عقلانی بر بنیاد دینی استوار است (امام جمعه زاده و میلانی، ۱۳۹۱: ۴۴). در واقع می‌توان گفت مطهری بر برابری همه‌ی افراد جامعه بدون توجه به رنگ پوست، نژاد و مذهب اشاره دارد و بر اهمیت جامعه و نهاد‌های اجتماعی و زمینه سازی در اجتماع برای تحقق عدالت تاکید می‌ورزد. به بیان دیگر طرح مطهری برای تحقق عدالت اجتماعی بر مبنای آزادی و برابری است.

۲. عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی

امام خمینی با تکیه بر همان معنای معروف عدالت یعنی «حد وسط بین افراط و تفریط» تعریف

فراگیری از آن ارائه می‌فرمایند که دارای نوعی جامعیت و مطلقیت است:

عدالت حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاصیه است بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه، ظاهریه، روحیه، قلبیه و جسمیه است، زیرا عدل مطلق، مستقیم به همه معنی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)

امام راحل^۳ عدالت را از دیدگاه عرفانی نیز نگاه می‌کنند و اطلاقی دیگر، علاوه بر آنچه گذشت، برای آن قائل هستند: عدالت را اطلاق دیگری است و آن تبدیل جمیع قوای ظاهریه و روحیه و نفسیه است، و بر همین اعتبار ارسطو گفته عدالت همه فضیلت است نه جزوی از آن، طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت که خط مستقیم و سیر معتدل است (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۹۱)

امام خمینی با استناد به سیره انبیا ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو کلمه خلاصه می‌شود: نه ستم کنید، نه مورد ستم قرار گیرید. «لاتظلمون و لاتظلمون: مهم‌ترین ابعاد این مولفه از نظر امام خمینی عبارت است از: مخالفت با ابرقدرت‌ها، مخالفت با ظالمان، عدم پیروی از نظام سلطه، نفی ظلم در جمهوری اسلامی، عدم ظلم‌پذیری، عدم سازش با ظالم، حمایت از مستضعفان، ... کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش جهان (مرشدی راد، مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۴) یکی از نگرانی‌های امام خمینی در زمینه توسعه اقتصادی، «عدالت اجتماعی» است. ایشان توسعه اقتصادی را همراه عدالت اجتماعی و در صورتی که نتایج مثبت توسعه اقتصادی اقشار وسیعی از جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و معیشت آنان را بهبود ببخشد، می‌پذیرد. از نظر امام راحل، توسعه اقتصادی که طی آن اکثریت بزرگی محروم و فقیر باشند و اقلیتی ناچیز برخوردار، مورد قبول نیست. بنابراین، ایشان عدالت اجتماعی را لازمه و شرط یک اقتصاد سالم می‌دانند. (مرشدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

امام خمینی بارها لزوم سیاست‌گذاری جهت رفع فقر و خارج ساختن افراد و اقشار محروم از محرومیت و برنامه‌ریزی جهت تامین نیازهای اساسی اقشار مستمند را بیان نموده و جهت‌گیری اقتصاد اسلامی را حفظ منافع محرومان معرفی می‌کنند. عدول از آن را عدول از عدالت اجتماعی اسلام می‌داند:

ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و ... بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به‌شمار می‌رود. (امام خمینی: ۳۴۰/۲۰)

هم چنین ایشان در بیانی دیگر عدول از سیاست حمایت از محرومان و رفع نکردن محرومیت از آنان و کوتاهی در تامین نیازهای اساسی شان را از اصل عدالت مورد نظر اسلام دور دانسته و از آن نهی نموده و می‌فرمایند:

آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومان و پابرهنگان است. چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. (امام خمینی، ۹۹/۲۱)

در رویکرد اسلامی، کانون مرکزی سیاست اجتماعی مفهوم عدالت اجتماعی است. این مفهوم، هدف و غایت تشکیل حکومت بوده و هرگونه برنامه‌ریزی کلان و خرد در عرصه سیاست عمومی باید در راستای تحقق بخشیدن به آن انجام پذیرد. در مجموع، شاخص‌ها زیادی در خصوص موضوع عدالت اجتماعی مانند «شرایط مساوی برای برخورداری از فرصت‌ها و منابع، عدالت توزیعی و عدالت به مثابه استحقاق‌ها و شایستگی‌ها، رعایت حق و حقوق هر صاحب حقی و فرار گرفتن هر چیزی در جای خود و حمایت همه جانبه از محرومان جامعه عدم ظلم و سلطه‌گری و ظلم پذیری و سلطه پذیری، می‌تواند به شناخت دیدگاه جامع در زمینه عدالت اجتماعی از منظر شهید مطهری و امام خمینی کمک کند.

وقتی از مفهوم عدالت به مثابه مهم ترین رکن رسالت و وظیفه الهی و برجسته ترین هدف انقلاب اسلامی سخن گفته می‌شود، عدالتی مراد است که همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، می‌خواهیم بدانیم دولت‌هایی که در چهار دهه اخیر در جمهوری اسلامی ایران روی کار آمدند، در باره عدالت و گفتمان‌سازی آن چه نقشی ایفا کردند و میزان دوری و نزدیکی گفتمان هر یک از آنها به گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، یعنی عدالت اجتماعی، چه اندازه بوده است؟

۳. مفهوم عدالت اجتماعی در دولت موسوی

باید بررسی کنیم که عدالت از دیدگاه دولت موسوی به چه معنا بوده است؟ آیا این دولت عدالت ناب اسلامی را سرلوحه کارش قرار داده بود یا تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر قرار داشت؟ عدالت از دیدگاه موسوی به معنای ایجاد کردن وضعیتی است که طبقات پایین جامعه هم بتوانند از منابع و امکانات استفاده کنند. به عقیده وی، طبقات مستضعف در رقابتی نابرابر با طبقه مرفه قرار گرفته و در نتیجه نتوانسته‌اند به اندازه لازم از منابع و امکانات جامعه بهره‌برداری کنند، در حالی که ثروتمندان جامعه

همه منابع را در قبضه خود قرار داده‌اند.

مهم‌ترین مسئله در این دوره، وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی و بدیل مطلوب آن، آرمان عدالت اجتماعی بر مبنای آموزه اسلام است. بنابراین، مهم‌ترین برنامه و راه حل دولت برای حل مسئله عدالت اجتماعی، اقتصاد کنترلی و نظارتی بود که در آن بر «توزیع» تاکید می‌شد. بر این اساس، می‌توان گفت این کابینه بیشتر گرایشی اعتدالی و دیدگاهی عدالت خواهانه، مساوات طلبانه و مردم گرایانه داشت و به همین دلیل، بر مسئولیت گسترده دولت در این خصوص تاکید می‌کرد و معتقد بود که اهرم‌های مهم اقتصادی باید در دست دولت باشد (مصباحی مقدم، ۱۳۷۰: ۳۲). موسوی هر کدام از شاخص‌های مزبور را به شرح ذیل ارائه کرده است:

الف) حمایت از طبقات فقیر و محروم جامعه

دولت در دوره موسوی یکی از شاخص‌های اساسی اجرای عدالت اجتماعی را حمایت از طبقات فقیر و محروم جامعه می‌دانست، به گونه‌ای که حمایت از این قشر همواره یکی از وظایف اصلی دولت بوده است:

بدون عدالت اجتماعی هر ساله صدها و هزارها گنج نادر این جامعه از فرط تنگدستی ترک تحصیل می‌کنند. استعدادهایی که در صورت رشد با قدرت مدیریت خود می‌توانند کشوری را متحول نمایند به خاطر نان شب مقروض می‌شوند. آن‌ها که باید آینده ساز فرهنگ ما باشند چه بسیار که حتی نوشتن و خواندن نیز نمی‌آموزند. بدون عدالت اجتماعی این سرمایه‌های بشری به مثابه انبان بذری هستند که گوشه‌ای افتاده باشد. (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۳)

محرومیت زدایی را از مصادیق بارز برنامه‌های عملی عدالت اسلامی می‌داند و تاکید می‌کند که امنیت انقلاب در گرو فقرزدایی و خدمت به محرومان است. او هم چنین در جزوه‌ای به نام «مواضع ما» بیان می‌کند که در نظام اقتصادی اسلام، زمینه‌های استثمار و بهره‌کشی صاحبان سرمایه و صاحبان قدرت از صاحبان نیروی کار باید از بین برود و به کلی ریشه کن شود... و شرط موفقیت در ابعاد اقتصادی انقلاب، تاکید روی برنامه‌ریزی و استفاده هر چه منظم‌تر و کامل‌تر از امکانات طبیعی و انسانی است که در اختیار داریم. (خواجeh سروی، ۱۳۸: ۱۸-۲۰)

واکاوی سخنرانی‌های روسای دولت سوم و چهارم حاکی از آن است که در آن‌ها از واژگان «دولت» و «مردم» بسیار استفاده شده است و تلاش گردیده که دولت و مردم را خیلی نزدیک به هم نشان داده و تمامی فعالیت‌های دولت در راستای رفع مشکلات مردم قلمداد گردد، چون این امر را از وظایف اصلی دولت می‌دانستند. مفاهیم عدالت اجتماعی به کار رفته در این متون یعنی «حمایت از محرومین و مستضعفین و کوخ نشینان» در راستای تامین منافع مستضعفان و گسترش مشارکت

عمومی در راستای برابری فرصت‌ها و دسترسی به خدمات درمانی، تامین خوراک و پوشاک و نیز رفع محرومیت (تعادل بخشی) در زمره ثمرات اصلی رویکردهای انقلاب قرار دارند، که بر مبنای آن، برخورداری آحاد جامعه از امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی و نیز خوراک و پوشاک برای تامین سلامت هر چه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است. (صفری، ۱۳۹۵: ۹۶)

پیش فرض‌ها مشخص می‌کند دولت بر این باور است که از راه توزیع مناسب امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی ا فشار پردرآمد و کم درآمد (مستضعفان) سلامت همگانی تحقق می‌یابد، که البته در این راه، دولت موظف به ارائه خدمات بیشتر درمانی و بهداشتی به نیازمندان است، تا عدالت اجتماعی در حوزه بهداشت، درمان و سلامت تامین گردد. در این راستا، در بازه زمانی سال‌های ۶۰-۶۸، اقدام‌های موثری در توزیع مناسب امکانات بهداشتی، درمانی، آب آشامیدنی و تسهیلات زندگی در کشور برداشته شده که آن‌ها را می‌توان شاخص‌های مناسبی برای ارزیابی عدالت اجتماعی توصیف کرد با این وجود گسترش عدالت اجتماعی به عنوان شاخص مهمی در الگوی نوسازی انقلاب اسلامی، در دوره مذکور با نوساناتی همراه بود. (فوزی، ۱۳۸۴)

نابرابری دستیابی به فرصت‌های تحصیلی در بین دختران بیش از پسران است برخوردارترین گروه‌ها از لحاظ دستیابی به فرصت‌های آموزشی، همواره در استان‌های توسعه یافته و محروم‌ترین آن‌ها در استان‌های کمتر توسعه یافته بوده‌اند. در بین مناطق، روستاهای استان‌های کمتر توسعه یافته بیش از سایر مناطق از محرومیت‌های آموزشی رنج می‌برند. در این بین همه استان‌های مورد بررسی به جز در برخی موارد، کردستان و سیستان و بلوچستان همواره جز نابرخوردارترین استان‌ها به شمار می‌آیند. ... هم چنین به نظر می‌رسد نابرابری‌های درون استانی (درون منطقه‌ای) میزان بیشتری نسبت به نابرابری‌های بین منطقه‌ای داشته باشد لذا بررسی نحوه توزیع فرصت‌های آموزشی در درون هر استان (نواحی شمال و جنوب شهری) می‌تواند تصریری گویا و حتی شفاف‌تری از وضعیت نابرابری‌های میان محروم‌ترین و برخوردارترین بخش‌های جامعه فراهم نماید. در حوزه آموزش و پرورش از جمله شاخص‌هایی که می‌توانند نابرابری‌های آموزشی را به شکل واضح‌تری آشکار سازند یکی نوع مدارس (دولتی و یا غیر دولتی بودن آن‌ها) و دیگری میزان ورود به مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها در مناطق و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد. از این رو سنجش و مطالعه وضعیت دسترسی به فرصت‌های آموزشی از زاویه این دو شاخص می‌تواند به مثابه اهرمی برای شناخت میزان عدالت در حوزه آموزش و پرورش به کار گرفته شود (کچوئیان و آقاپور، ۱۳۸۵: ۱۵۲)

(ب) مخالفت با سرمایه‌داری و حاکمیت خصوصی‌سازی

از دیدگاه موسوی، یکی از راه‌های توزیع عادلانه و مساوی ثروت و امکانات در جامعه مخالفت با

سرمایه‌داری و حاکمیت سرمایه و خصوصی‌سازی است. از دید او سرمایه‌داری باعث تضاد طبقاتی در جامعه و ایجاد دو طبقه فقیر و غنی شده است. به عقیده وی، نظام شبه سرمایه‌داری دوران پهلوی باعث شده که طبقات پایین از امکانات بی‌بهره باشند و در مقابل سرمایه‌داران همه امکانات جامعه را به خود اختصاص دهند. در باره ویژگی‌های دولت موسوی، می‌توان چنین گفت:

آن‌ها مخالف واگذاری مدیریت مراکز مهم اقتصادی، شبکه‌های مهم حمل و نقل بازرگانی به خصوص بازرگانی خارجی به بخش خصوصی بودند، هم چنین استدلال می‌کردند که حاکمیت‌های بزرگ در مورد اراضی، صنایع، سرمایه‌های بازرگانی با سایر فعالیت‌های اقتصادی زمینه مساعد استثمرات اکثریت را فراهم ساخته، موجب تکاثر ثروت در یک طبقه خاص و افزایش فاصله طبقاتی شده و قطب‌های قدرت اقتصادی پدید آورد که می‌توانند اقتصاد جامعه را جهت دهند و هر جا که دولت با آن‌ها همراه نشود می‌توانند مشکل تراشی کرده، دولت را با بحران روبه رو سازند. پس باید مهم‌ترین اهرم‌های اقتصادی در دست دولت باشد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۵)

۴. مفهوم عدالت اجتماعی در دولت سازندگی

از دیدگاه هاشمی برای رسیدن به عدالت اجتماعی باید رشد اقتصادی افزایش یابد، افزایش رشد اقتصادی به افزایش درآمد ملی می‌انجامد و این امر هم باعث تزریق درآمد ملی به جامعه می‌گردد که با استفاده از سیاست‌های توزیع مجدد درآمد، از جمله سیاست‌های مالیاتی، به منطقی کردن رشد بین اقشار مختلف اجتماعی و از بین رفتن فقر در جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی منجر می‌شود. در این دیدگاه به جای مبارزه با فقر، به افزایش ثروت در ادبیات سیاسی توجه شد و رفاه اقتصادی و توسعه نشانه‌ای برای نزدیکی به مفهوم واقعی عدالت دانسته شد. و عدالت اجتماعی به مرحله پس از تولید موکول شد و برنامه‌های تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. سیاست تعدیل رشد محور است و آن را اصل می‌داند و به نحوه توزیع درآمد کاری ندارد و از اساس با اجرای عدالت بیگانه و مخالف است به همین جهت شاهد افزایش بی‌عدالتی‌ها در کشور هستیم.

برداشت هاشمی رفسنجانی از عدالت اجتماعی را می‌توان همان مقوله رشد اقتصادی دانست که بر اقتصاد آزاد متکی است. در این دیدگاه اقتصاد آزاد باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود و بر اساس آن، کیفیت زندگی عموم شهروندان بالا می‌رود: فعال کردن بخش خصوصی، نفی گفتمان عدالت خواهی دهه اول انقلاب، و تکیه اساسی بر رشد اقتصادی. به همین منظور برنامه تعدیل مورد

۵. برنامه تعدیل اقتصادی

برنامه تعدیل از مجموعه‌ای از سیاست‌های آزادسازی، تثبیت کالاها، افزایش بهره‌وری در بخش تولیدی، سیاست‌های تجاری، انقباض دستمزدها و محدود کردن سیاست‌های دولتی تشکیل می‌شود که بر اساس آن بازارهای مالی ف کالا، خدمات و بخش‌های واردات و صادرات باید به بازار واگذار شود. هاشمی رفسنجانی هدف خود را از انتخاب سیاست‌های تعدیل این گونه بیان می‌کند:

من فکر می‌کردم که سیاست تمرکز دولتی کارآیی ندارد و به سراغ سیاست‌های تعدیل رفتیم، قبل از اینکه به دولت بیایم، با آن‌هایی که در این کار موثر بودند بحث کرده بودیم. با آقای روغنی زنجانی که رییس سازمان برنامه و بودجه بود و در آن اواخر با آن روش قبلی موافق نبود، بحث کردم. من می‌دانستم، اختلاف داشت و می‌خواست استعفا بدهد. من به ایشان گفتم بماند. آقای نوربخش هم جز کسانی بود که با ایشان مشورت کردیم. مواضع را قبل از اینکه اینها بیایند مشخص کردیم که باید به طرف تعدیل برویم (جولانی، ۱۳۹۶: ۸۶).

الف). اهمیت دادن به بخش خصوصی

هاشمی می‌گوید:

در کشورهایی که اقتصاد آزاد دارند معمولاً بخش خصوصی کار می‌کند. دولت یک مقدار کالا توسعه دارد، در بقیه موارد فضا درست می‌کند و مردم به فکر سازندگی می‌افتند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و کارهای مولد انجام می‌دهند. کار مولد همیشه درآمد است، از مقدمات تا مصرف شغل درست می‌کند. اگر کار تجارت و واسطه‌گری رونقی پیدا کند در آن فضا معنا می‌گیرد که با رونق تولید، آن کارها رونق پیدا می‌کند. (بهر روز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

هاشمی رفسنجانی در ارائه‌ی برنامه‌ها و لوایح بودجه‌ی سالانه بر خصوصی سازی و پیشبرد اهداف دولت در برنامه‌ی اول توسعه بر مبنای کاهش نقش دولت در اقتصاد، پیشبرد خصوصی سازی در حوزه‌های آموزشی، بهداشتی و خصوصی سازی موسسات دولتی تاکید داشت. در قانون برنامه دوم توسعه بر تداوم خصوصی سازی و کاهش تصدی‌گری دولت همانند قانون برنامه‌ی اول توسعه تاکید گردید. (جباری، ۱۳۹۶: ۱۳۹ - ۱۴۰)

بنابراین از دیدگاه او، حاکم شدن اقتصاددولتی جز عقب نگه داشتن کشور کار دیگری نمی‌تواند بکند. برای اینکه کشور راه رشد را طی کند باید اجازه بدهیم افراد خودشان دست به کار شوند و چرخ اقتصادی کشور را به حرکت در بیاورند. به همین دلیل هاشمی رفسنجانی، بدون نظارت و برنامه خاصی با حرص و ولع بسیار شدیدی همه امور حتی بهداشت و آموزش را به بخش خصوصی واگذار می‌کردند. او در سال ۱۳۷۴ در پاسخ امیدی مدیر عامل آب همدان، که از دولت درخواست کمک کرده بود، گفته بود چه کمکی ما این قدر دست شما را باز گذاشتیم که هر چه می‌خواهید از مردم بگیرد دیگر نیازی به ما ندارید.

ب). تکیه بر رشد و رفاه اقتصادی و توسعه به مثابه عدالت

از دیدگاه هاشمی رفسنجانی، عدالت اجتماعی تنها با رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نه با دادن یارانه به مردم. بنابراین دولت وظیفه ندارد عدالت اجتماعی را با دادن کمک به افراد جامعه ایجاد کند، بلکه عدالت اجتماعی در پناه رشد اقتصادی که در نتیجه آن، درآمد ملی جامعه بالا می‌رود و با توزیع عادلانه درآمد ملی و تزریق آن به جامعه ایجاد خواهد شد. بر این اساس هاشمی در واقع هیچ برنامه‌ای برای اجرای عدالت اجتماعی انجام نداد. (بهرروز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

هاشمی رفسنجانی معتقد بود که اول باید جامعه ایرانی توسعه و رشد پیدا کند بعد خود به خود عدالت در جامعه برقرار خواهد شد. ایشان طرفدار عدالت استحقاقی بود و اصلاً به عدالت توزیعی توجه نمی‌کرد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۹ و ۱۳۰). در این گفتمان، عدالت اجتماعی به مرحله پس از تولید موکول شد و برنامه‌های تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. اتخاذ سیاست‌های سرمایه‌دارانه خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی مهم‌ترین برنامه و راه حل دولت برای دستیابی به جامعه‌ای ثروتمند و آباد در نظر گرفته شد. سیاست‌های اقتصادی دولت، در این مدت سبب ایجاد تورم در جامعه و فشار به اقشار متوسط و پایین جامعه گردید. همین فشارها و آسیب‌ها سبب شد که افکار عمومی دید چندان خوبی نسبت به آقای هاشمی و فعالیت‌های دولت ایشان نداشته باشند و خروج از آن را خواست خود قرار دهد. (اشرفی، ۱۳۹۰: ۳۴۱ - ۳۴۳)

مهم‌ترین خط‌مشی‌های برنامه اول در این زمینه عبارتند از: کاهش سطح پوشش خدمات دولتی و آموزش و انتقال آن به بخش غیر دولتی (خصوصی)، کاهش هزینه‌های دولت، تغییر سیستم سهمیه بندی کالاهای اساسی، تغییر سیاست نرخ گذاری کالاها و تعادلی شدن قیمت آن‌ها، خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی، واگذاری تجارت خارجی به اشخاص حقیقی و حقوقی. (پژویان، طالبلو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۳)

طبق گزارش مستندات برنامه دوم، برنامه اول در ایجاد بسترهای قانونی مناسب با سیاست‌های راهبردی اعلام شده موفق نبود، بطوری که استراژی خصوصی سازی شرکت‌های دولتی و آزادسازی تجارت خارجی با شکست مواجه شد. در عمل تنها در مالکیت شرکت‌های دولتی تغییراتی ایجاد شد و مالکیت آن‌ها از دولت به سایر نهادهای غیر خصوصی منتقل شد. (پژویان، طالبو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۷ - ۱۹۸)

بر این اساس، گفتمان جدیدی که «رفاه و توسعه اقتصادی» را هدف اصلی اقتصاد دانسته و به شدت از توسعه به ویژه توسعه اقتصادی طرفداری کرده و آن را پیش شرط سایر امور نوسازی قلمداد می‌کرد، با باور به اینکه در سایه توسعه اقتصادی امکان استقلال و عدالت وجود دارد، رشد و توسعه اقتصادی را هدف اصلی اقتصاد دانسته و عقیده داشتند بدون رشد اقتصادی، مالی برای تقسیم کردن وجود ندارد. (مرتجی، ۱۳۷۸)

اگر چه رشد تولید ناخالص ملی و افزایش درآمد سرانه یکی از شاخص‌های توسعه است، اما از آن مهمتر توزیع عادلانه درآمد، ثروت، فرصت‌ها و امکانات از اصول بنیادین و نشانه توسعه یافتگی است. عمده‌ترین وظیفه و کارکرد دولت در هر جامعه، نقش توزیعی آن می‌باشد. یعنی دولت‌ها تلاش می‌کنند تعادلی نسبی در توزیع عادلانه درآمدها برقرار کنند تا جامعه را از شکاف طبقات غنی - فقیر نجات دهند. علیرغم اینکه دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در اهداف معین برنامه اول و دوم وظیفه تامین عدالت اجتماعی - اقتصادی را بر عهده داشت، اما خود مهم‌ترین علت در توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد بود. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۶۴) در اثر توزیع کاملاً غیرعادلانه درآمدها در کشور، طبقات پردرآمد جامعه سهم بیشتری را می‌برند. در حالیکه در فاصله ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، دهک یکم به قیمت جاری ۸۰۷ هزار ریال افزایش درآمد داشته است، دهک دهم ۲۵/۱۲ میلیون ریال به عبارتی ۱/۱۵ برابر دهک یکم افزایش درآمد داشته است. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

نابرابری در توزیع درآمدها، سرچشمه بی‌عدالتی‌هایی مانند اختلاف طبقاتی بر اساس ثروت‌ها، درآمدها، مصرف و نهایتاً رفاه اقتصادی میان افراد جامعه است. دستیابی به توزیع عادلانه درآمد مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که سیاست مالی از جمله مهم‌ترین ابزار است. (اکبری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱)

امروزه توسعه در کشورهای غربی، گسسته از عدالت و خصوصاً ارزش‌هایی که ادیان آورده‌اند ادامه می‌یابد و به پیش می‌رود: «در آمریکا و شاید در اغلب کشورها، با سیستم‌های گوناگون و فلسفه‌های اجتماعی متفاوت در برابر رفاه روزافزون توده‌ها و توسعه آزادی فرد، به افزایش نوع جرم،

خصوصاً جرایم مربوط به اموال و دارایی نیز دامن زده می‌شود.» این توسعه، علی‌القاعده نمی‌تواند الگوی گزینشی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته و به ویژه کشور اسلامی ایران باشد، چه آن که هرگز با روح دیانت و ملیت و با ساختار کلی جامعه ما تناسب ندارد و هیچ دستاورد مثبتی نخواهد داشت. در نگاه ما، توسعه در مقوله‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... باید هم‌سو با کلیت تفکر و اندیشه دینی و سنت‌ها و معیارهای اجتماعی باشد. (نوابی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

علی محمد حاضری در پژوهشی تحت عنوان «مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی» اظهار کرده که مدارس غیر انتفاعی هم از حیث امکانات مختلف آموزشی و هم از بعد کیفیت آموزشی وضعیت بسیار مطلوب‌تری نسبت به مدارس دولتی داشته‌اند. لذا تاسیس مدارس غیر انتفاعی صرف نظر از تأثیری که بر سطح و کیفیت مدارس دولتی می‌گذارد، راهی برای تجلی رسمی نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌باشد (حاضری، ۱۳۷۷: ۲۲۷ - ۲۳۰)

چنانچه به ماهیت و هدف سیاست‌های تعدیل توجه شود، «توسعه بدون عدالت» گسترش فقر و محرومیت که از نتایج تورم و توزیع ناعادلانه ثروت و فرصت‌ها و امکانات است. بر جامعه ایران تحمیل شد و فساد مطلق را گسترش داد. بر اساس آمار و ارقام رسمی و دولتی، نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی به نابرابری اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد به شدت دامن زد که خود موجب بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی گردید. برنامه توسعه بدون عدالت هاشمی رفسنجانی فاصله فاحشی با آرمان‌ها و معیارهای مورد نظر رهبران انقلاب (مطهری و امام خمینی) و قانون اساسی و آموزه‌های اسلامی بوجود آورد.

۶. مفهوم عدالت در دولت اصلاحات

خاتمی معتقد بود برای اجرای عدالت اجتماعی هم کشور باید مسیر رشد اقتصادی خود را طی کند و هم اینکه در این مسیر طبقات پایین جامعه متضرر نشوند. بر این اساس، خاتمی سعی کرد یک نگاه تلفیقی بین مقوله رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی برقرار کند که در آن عدالت اجتماعی اولویت داشته باشد، به عبارت دیگر، وی برای ایجاد آرمان اصلی انقلاب اسلامی، یعنی رفع فقر همانند دولت هاشمی، سامان‌دهی و توسعه اقتصادی کشور را تجویز می‌کرد. از دیدگاه خاتمی: «عدالت به این معناست که این امکان را بوجود آوریم که فرصت‌های مساوی برای همه صاحبان استعداد فراهم بشود و در توزیع امکانات نیز حال کل جامعه رعایت بشود» (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۵۵) در اندیشه خاتمی و حامیان فکری او، عدالت به مفهوم برابری ذاتی انسان‌ها و توزیع برابر ثروت‌ها در میان آن‌ها

می‌باشد، اما این مفهوم در سایه آزادی معنا پیدا می‌کند، چرا که آنان معتقدند تا زمانی که آزادی وجود نداشته باشد، وجود عدالت در جامعه کاملاً بی‌معنا است. به باور آن‌ها در نظام سیاسی اسلامی بحث از عدالت به مثابه بحث از آزادی است.

چون معنا ندارد که در جامعه‌ای شهروندان از انواع آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار نباشند و در همان حال آن نظام سیاسی و جامعه بتواند به صفت عدالت متصف گردد.

خاتمی بر این باور است که عدالت خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه زمینه‌های بروز آن که «آگاهی» است ایجاد کرد و جامعه هنگامی آگاه خواهد بود که آزادی بیان و عقیده و سایر آزادی‌های مدنی در آن وجود داشته باشد. در این صورت است که مردم با آگاهی از پیرامون خود زمینه‌های شکل‌گیری واقعی عدالت را در جامعه پی‌ریزی و در مقابل هر نوع بی‌عدالتی مقاومت خواهند کرد. (بهروز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

خاتمی معتقد بود که دولت فقط دارای نقش نظارتی می‌باشد او می‌گوید:

هر چه تصدی خودمان را بیشتر گسترش دهیم، کمتر به وظیفه‌ی خود در تامین حاکمیت جمهوری اسلامی عمل کرده‌ایم، اما هر چه تصدی را بیشتر به مردم دهیم و دولت نقش نظارتی داشته باشد، قدرت دولت در ایجاد امنیت در جامعه اعم از امنیت قضایی، نظامی و انتظامی و ارائه‌ی خدماتی چون آموزش، درمان و بهداشت افزایش می‌یابد. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۲۸)

خاتمی دخالت دولت در امور اقتصادی را باعث کاهش کارایی اقتصادی می‌داند. از نظر او دخالت دولت باعث می‌شود که نه تنها به وظایف اصلی خود کم‌توجهی کند، بلکه مانع رقابت در حوزه‌ی اقتصادی و توسعه اقتصادی در جامعه می‌شود. وی وظیفه‌ی دولت را وظیفه‌ی حاکمیتی می‌داند و بر این باور است که دولت نباید در امور دیگر جامعه دخالت کند. وی بر این باور است که تحقق عدالت اجتماعی بایستی با فراهم کردن شرایط تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال باشد نه اینکه سرمایه‌ها را بین مردم توزیع کنیم. بایستی عدالت اجتماعی را در کنار توسعه در جامعه شکل داد. بایستی زمینه‌ای را فراهم کرد که ثروت به طور مناسب در جامعه توزیع شود و تولید و اشتغال شکل گیرد و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود جلوگیری شود (جباری، ۱۳۹۶: ۱۷۸ و ۱۷۹)

مهم‌ترین اسناد و شاخص‌های ما برای اثبات تعریف عدالت اجتماعی در دولت خاتمی برنامه

سامان اقتصادی است که در اینجا آن را بررسی می‌کنیم.

۷. برنامه سامان اقتصادی

عدالت اجتماعی که یکی از خواسته های اصلی انقلاب ایران بود، در هشت سال سازندگی به بوته فراموشی سپرده شد. بنابراین یکی از وظایف اصلی دولت جدید کمک به طبقات ضعیف و ایجاد عدالت اجتماعی بود که باید در اولویت برنامه ها قرار می گرفت. طبیعی است که دولت خاتمی می بایست تعریفی که در باره اجرای عدالت در دولت سازندگی مطرح شده بود تغییر می داد. برنامه سامان اقتصادی با قرائت خاتمی در ۱۳ مرداد ۱۳۷۸ در صحن مجلس آغاز شد. خاتمی در گزارش کار برنامه سامان اقتصادی به مجلس شورای اسلامی چند سیاست اصلی از جمله عدالت اجتماعی را متذکر شدند. ایشان در باره اصل عدالت اجتماعی را در مجلس این گونه توضیح دادند:

سیاست دوم ما تقدم عدالت اجتماعی است. اینجا باید کمی توضیح بدهم. ما معتقدیم که هدف بزرگ انبیا استقرار عدل در جامعه انسانی بوده است. البته تعبیر قرآن تعبیر جالبی است که خداوند پیامبرانش را با کتاب و بینات فرستاد تا مردم خود به قسط برخیزند: «لیقوم الناس بالقسط» فاعل قسط مردم اند. پیامبران مبلغ اند، پیامبران راهنمایند، یعنی پیامبران به زور مردم را به قسط وادار نمی کنند. مردم باید رشد پیدا کنند اراده بکنند که زندگی عادلانه ای داشته باشند و عدالت را برقرار بکنند.

هدف انسانی و اسلامی استقرار قسط است و هدف انقلاب اسلامی استقرار عدالت اجتماعی بوده است و دولت جمهوری اسلامی هم اهتمام جدی به این مسئله دارد. شما در مواضع حضرت امام (ع) در مواضع رهبر عزیزمان ببینید همواره روی مسئله عدالت اجتماعی سخت تکیه شده است. ما باید این را به عنوان یک محور در نظر بگیریم البته اگر ما یک توسعه علمی، همه جانبه، متوازن و پایدار داشته باشیم. طبعاً در متن چنین توسعه ای عدالت اجتماعی نهفته است. یعنی ذاتاً توسعه با عدالت تضاد و تعارضی ندارد. ولی وقتی ما می گوییم عدالت اجتماعی تقدم دارد تا اگر در شرایط و موقعیت هایی نوعی تضاد و ناسازگاری میان رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی پیدا شد، سیاست دولت این است که این تضاد را به نفع عدالت اجتماعی، حتی با کند شدن نسبی رشد اقتصادی تامین بکند. پس سیاست دوم ما تقدم عدالت اجتماعی است. (امیری فر، ۱۳۷۹: ۱۱۹ و ۱۲۰)

حاکم شدن نگرش تجربه شده دهه ۱۹۶۰ بر برنامه چهارم در کنار لحاظ کردن تغییر و تحولات شرایط بین المللی در مسیر تاریخی آن، منجر به تدوین برنامه ای شده است که مجموعه ناسازگاری را تشکیل می دهند. از جمله پدیده رقابت پذیری و عدالت اجتماعی، جهانی شدن و حفظ هویت

فرهنگی ایرانی، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای، نمودی از این مجموعه ناسازگار است که به شکل ناهمگن کنار هم قرار گرفته است. (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵: ۸۲)

بررسی مواد لوایح برنامه‌های سوم و چهارم توسعه که در فضای غلبه گفتمان اصلاح طلبی بر کشور تصویب و اجرایی شد، ما را به سوی این یافته‌ها رهنمود می‌کند که دولت خاتمی اهتمام ویژه‌ای به امر سلامت در جامعه داشته و تلاش کرده است کمبودها و کاستی‌های دو برنامه پیشین در حوزه سلامت را جبران کند. بر این اساس، برنامه سوم توسعه با هدف افزایش کارایی، جلب مشارکت بخش غیر دولتی و ساماندهی نظام ارائه خدمات (در زمینه‌هایی از قبیل سطح‌بندی خدمات و اصلاح شبکه بهداشت و درمان کشور) تدوین شد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹: ۴)

برای تأمین عدالت آموزشی و رسیدگی بیشتر به مناطق نیازمند و کمتر توسعه یافته، نمی‌از مواد قانون برنامه سوم در بخش آموزش و پرورش به تأمین منابع مالی جدید، شامل معافیت‌های مالیاتی و اخذ عوارض از کالا و خدمات، تقویت صندوق ذخیره فرهنگیان و استفاده از اجاره دریافتی از اماکن و فضاهای آموزشی اختصاص یافته است. در طول برنامه سوم توسعه چالش‌ها و محدودیت‌های وزارت آموزش و پرورش از جمله محدودیت منابع، نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی، عدم نگرش نظام مند به منابع انسانی آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین زیر ساخت جامعه ... مطرح شده است. و در برنامه چهارم توسعه اهم برنامه‌های اصلاحی این برنامه عبارت بود از بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی، اصلاح روش‌های پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، تقویت جایگاه تربیت، اجرای مدیریت مشارکت مدرسه محور، اصلاح ساختار تشکیلات حوزه ستادی با رویکرد تمرکززدایی، پژوهش محوری در برنامه‌ها بی‌عدالتی و نابرابری‌ها در ابعاد مختلف، به ویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کند و نارضایتی ناحیه‌ای را موجب گردد. و مانعی اساسی بر سر راه دستیابی به احساس وجود هویت مشترک و توسعه پایدار سیاسی گردند. یکی از رایج‌ترین و متعارف‌ترین تبیین‌ها برای وجود شکاف‌های قومی، توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی و توسعه‌ای مناطق سکونت گروه‌های قومی است. (اخباری، غم پرور و بزله، ۱۳۹۴: ۳۸-۵۰)

مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم این است که در این برنامه بر مشکل‌یابی و نهاد سازی برای حل مشکلات کشور تاکید شده است. لذا طراحان برنامه سوم عمدتاً به دنبال یافتن خط‌مشی‌هایی بوده‌اند که بتوانند کل جامعه را متحول کنند، بنابر این برنامه سوم مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راه‌حل‌ها است.

این برنامه به مشکلات مهمی می‌پردازد که جامعه ایران در دهه سوم انقلاب با آن مواجه است. در این برنامه، تحقق عدالت اجتماعی در اولویت قرار گرفته و رشد سریع اقتصادی، اشتغال زایی و مهارتورم از راه‌های نیل به این مقصود بر شمرده شده است. اموری هم چون اصلاح اساسی ساختار اقتصادی، افزایش کارایی مدیران، ایجاد شبکه‌های تامین اجتماعی کارآمد و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی مورد تاکید است. (پژویان، طالبو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

بهره‌مندی از خدمات گران قیمت که در اثر استفاده از تجهیزات با تکنولوژی بالا ایجاد می‌گردد از دغدغه‌های کلیه نظام‌های سلامت است چرا که ایجاد عدالت در این حوزه بسیار سخت است و دولت‌ها مسئول ایجاد این خدمت برای آحاد مردم هستند. ولی از سوی دیگر امکان ایجاد این خدمات با محدودیت‌های بودجه‌ای که در حوزه سلامت وجود دارد و هم چنین وجود امکانات درمانی و تخصیص‌های لازم، علی‌الخصوص در مناطق محروم خود می‌تواند سبب عدم اجرای عدالت باشد. در بررسی انجام شده میزان دسترسی بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به امکانات سی. تی. اسکن و ام. آر. آی مورد بررسی قرار گرفت در سال ۱۳۸۲ استان سیستان و بلوچستان بیشترین دسترسی و پوشش کمترین بهره‌مندی را دارا بود. این بررسی در خصوص استفاده از دستگاه تصویربرداری در سال ۱۳۸۲ استان سیستان و بلوچستان بیشترین دسترسی و ایلام و چهارمحال بختیاری، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان بدون داشتن تجهیزات کمترین بهره‌مندی را داشته‌اند. ولی در سال ۱۳۸۵ منطقه کاشان بیشترین دسترسی و فقط ایلام فاقد دستگاه ام. آر. آی بوده است. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۰۱ - ۲۰۴)

خاتمی در ارائه برنامه‌ها و لوایح بودجه‌ای خود به مجلس، رفع فقر و محرومیت و تحقق عدالت اجتماعی و دسترسی امکانات برای همه‌ی مردم را جز برنامه‌ها خود می‌دانست. ولی با ادامه دادن راه و روش رفسنجانی عملاً تغییر محسوس در اجرای عدالت اجتماعی به علت پیاده کردن و دنباله روی از سیاست و خط‌مشی رفسنجانی همان نتایج را شاهد هستیم.

۸. مفهوم عدالت در دولت احمدی نژاد

احمدی نژاد دولت عادلانه را دولتی می‌داند که در خدمت خلق باشد. بر این اساس، عدالت در شریعت اسلام چیزی جز خدمت رسانی نیست، او برداشت خود از عدالت به سیره ائمه β مستند می‌کند:

سازمان‌ها، نهادها و عناوین در نظام جمهوری اسلامی هیچ شانی جز خدمت‌گزاری به مردم ندارد. همه این اسم‌ها، اختیارات، امکانات و چرخش کارهایی که

در اختیار ما است، امانت مردم برای خدمت‌گزاری است، هرکس خدمت‌گزارتر، عزیزتر و مدیرتر ... خدمت‌گزاری مهم‌ترین وظیفه دولت و مقوم دو اصل عدالت و مهرورزی است. (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۴/۱۲)

بنابراین آقای احمدی نژاد و سنت فکری حامی وی، اول به دنبال برقراری عدالت و عدالت اجتماعی در جامعه هستند و زمانی که این مهم اتفاق افتاد به دنبال آزادی و ... می‌روند. در وضعیت که دولت‌های پیشین سعی می‌کردند در چاقویی واقع‌گرایانه توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی را با ابزارهای مدنی از اندیشه‌های اقتصادی و سیاسی رایج در دنیا به جامعه ایران بکشانند، احمدی نژاد منادی دولت عدالت محور و مهرورز شد. از دیدگاه احمدی نژاد اگر فرصت‌ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد جامعه و همه مناطق جامعه یا هر فرهنگ و هر وضعیتی داده شود، عدالت اجرا شده است، به عبارت دیگر، عدالت در صورتی تعریف می‌شود که امکانات ارائه شده به دورترین منطقه مرزی با امکانات ارائه شده به شهرهای بزرگ تفاوتی نکند. احمدی نژاد معتقد بود که متأسفانه علی‌رغم تلاش‌های دولت قبلی، امکانات به طور عادلانه تقسیم نشده و عده معدودی از امکانات بیشتر و شمار زیادی از امکانات کمتر برخوردارند و همین مسئله باعث ایجاد طبقه ثروتمند در جامعه شده است. برای همین دولت تلاش می‌کند که به طبقات آسیب‌پذیر (مستضعفین) جامعه امکانات لازم را ارائه بدهد. ایشان در توضیح عدالت می‌گوید:

عدالت یعنی چه؟ عدالت از مواضع اداره کشور و از وضع مدیریت، یعنی توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در همه مناطق کشور و برای همه آحاد ملت ایران، یعنی هر جوانی در هر کجای کشور از فرصت‌های یکسان برای شکوفایی استعدادهایش برخوردار باشد. اجرای عدالت یعنی همه جای کشور با هم و هماهنگ پیشرفت بکند. اجرای عدالت یعنی فرصت‌های کشور به طور عادلانه برای همه مردم توزیع بشود. اجرای عدالت یعنی بستن راه در مقابل کسانی که با اتصال به قدرت، باند، گروه و جناح فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گیرند (جولانی، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

جلوه دیگر، رفع مشکلات و اصلاح عقب‌افتادگی‌های تاریخی برخی از مناطق کشور است. جلوه دیگر، ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی استعدادهاست. فرصت‌های برابر برای همه در تحصیل علم، بهداشت و در استفاده از تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های منابع عمومی، کارهای بحرانی، اشتغال، عدالت در یافتن استعدادها و خلاقیت‌ها و دادن فرصت بروز به آنها و جلوگیری از هرز رفتن

آن‌ها ست. جلوه دیگر عدالت، مبارزه با فساد و تبعیض است. آن چیزی که جامعه بیش از هر چیز از آن رنج می‌برد و البته می‌داند که جزء سخت‌ترین مراحل اجرای عدالت، مبارزه با تبعیض، فساد و ویژه خواری‌هاست، جایی که در بسیاری از اوقات خیلی از دوستان می‌ایستند و مقابله می‌کنند. جلوه دیگر عدالت، حمایت از مستضعفان و مظلومان است. کسانی که دست‌شان به جایی نمی‌رسد و صدای بلند ندارند که به گوش مسئولین و تصمیم‌گیران برسد و کسی آن‌ها را حمایت نمی‌کند. جلوه دیگر عدالت، اولویت‌گذاری در برخوردها است. طبیعی است که در مبارزه با فساد و تبعیض باید ریشه‌ها و درشت‌ترها برخورد کرد و یکی از جلوه‌های اجرای عدالت، مبارزه با کسانی است که با استفاده از نفوذ و استفاده از منتفذین فساد می‌کنند. این بدترین نوع فساد است. کسانی که رابطه، استفاده از امتیاز اطلاع داشتن و حمایت شدن سوء استفاده می‌کنند. (جولانی، ۱۳۹۶: ۱۲۷)

۹. عدالت در عمل در دولت احمدی نژاد

در تحلیل محتوای سخنرانی‌های احمدی نژاد، مقوله ارزش‌های اجتماعی، اولین اولویت ایشان از بین ارزش‌های چندگانه انقلاب و امام خمینی بوده است و بیشترین تأکیدات ایشان بر روی شاخصه‌های عدالت‌گرایی و رفع تبعیض، مردم‌گرایی و حمایت از محرومان، خدمت‌رسانی به توده‌های مردم و غیره می‌باشد. احمدی نژاد با نقد توسعه اقتصادی دولت‌های پیشین معتقد است: باید توسعه اقتصادی و روند خصوصی‌سازی در آن به جای واگذاری شرکت‌های دولتی به فرد یا افراد خاص (فرزند سازی)، به شکل توزیع این شرکت‌ها به صورت‌های مختلف بین عامه مردم پیگیری شود. به همین دلیل، ایشان راه کارهایی هم چون توزیع سهام عدالت، حمایت از بنگاه‌های کوچک و زودبازده، ... به اقشار محروم و دهک‌های پایین درآمدی را بر می‌گزیند. (مرشدی زاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۲)

دولت و گفتمان عدالت محور با تأکید و تلاش در راستای تخصیص عادلانه امکانات، منابع و خدمات در سطح اجتماع و میان آحاد جامعه، در اصل به دنبال تحقق عدالت اجتماعی بود و در راستای چنین باور عدالت محوری بوده است که در حوزه سلامت، طرح‌ها و اهدافی را تعقیب می‌کرد که رنگ و بوی عدالت، برابری و یکسان‌سازی در آن به چشم می‌خورد، از جمله آن‌ها می‌توان به «تشکیل سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت» و یا «طرح پزشکی خانواده» اشاره نمود. تحلیل گفتمان برنامه پنجم توسعه در حوزه سلامت گویای این است که در آن، توسعه «گسترش سلامت» برجسته سازی شده است، به طوری که می‌توان از آن به عنوان یکی از برجسته‌ترین نشانه‌ها در

برنامه پنجم توسعه یاد کرد، که با نشانه‌های فرعی خود یعنی «تدوین برنامه‌های آموزشی ارتقا سلامت»، «فعالیت شورای عالی سلامت»، «تشکیل سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت»، از نشانه‌های اصلی گفتمان عدالت محور است. (صفری، ۱۳۹۵: ۱۰۶ - ۱۰۸)

به طور کلی می‌توان دو هدف عمده در سیاست‌های دولت اصول‌گرای رادیکال در بخش آموزش عمومی مطرح کرد: اول، تحول بنیادی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و دوم، تاکید بر استمرار کارآموزی و کارورزی به بیانی همان بازگشت به سیاست نه چندان موفق «طرح کاد» در دوره چپ سنتی است. بررسی درون داد سیاست آموزش در دولت‌های چهارگانه از بعد برنامه‌ها و سیاست‌های قانونی نشان داد که این سیاست‌ها با وجود داشتن تغییرات جزئی، استمرار و تکرار برنامه‌های پیشین است. این تکرار تا جایی است که بین شیوه برنامه‌ریزی به کار گرفته شده در سه تجربه برنامه‌ریزی (برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه) تفاوت محسوسی از نظر اصول کار مشاهده نمی‌شود. و به علت نبودن فرایند ارزیابی از نتایج و پید شرفت هر یک از مراحل اجرای برنامه‌های اصلاحی و سرانجام فقدان ضمانت‌های اجرایی، قانونی، دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت ناگزیر به دوباره کاری در امر اصلاحات شده‌اند.

تحلیل سیاست آموزش در دولت‌های چهارگانه، نشان می‌دهد هم چنان سه مقوله «دسترسی متعادل به فرصت‌های برابر آموزشی»، «کیفیت فعالیت‌های آموزش و پرورش» و در نهایت تنها راه‌حل‌هایی از مسایل و مشکلات مالی یعنی «مدیریت منابع» توجه عملیاتی نشده است. نکته مورد توجه اینک، همواره در طول برنامه‌های توسعه، قوانین بودجه سنواتی به عنوان محورهای اصلی در حد شعار مدنظر بوده و این مقوله‌ها همواره فاقد بعد عملیاتی در برنامه‌های توسعه و بودجه سنواتی بوده است. (صراف و بزرگیان، ۱۳۸۴: ۳) فقدان سیاست‌گذاری همه جانبه و عدم تخصیص هزینه اجتماعی لازم در بعد آموزش یکی از عوامل توسعه ناهماهنگ آموزش در کشور و پایین بودن استانداردهای کیفیت تحصیل مطرح شده است. تا جایی که دولت برای حل بحران مالی به سوی جلب مشارکت بخش خصوصی سوق یافت. بدین ترتیب آموزش خصوصی که در پی انقلاب و نیز بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ممنوع شده بود. بار دیگر در قالب مدارس غیر دولتی (انتفاعی) تجدید حیات کرد. بنابراین توجه به این موضوع ضروری است که گسترش میزان باسوادی در ایران را تنها متکی بر نقش دولت و سیاست‌های آموزش و پرورش در این دوره تلقی نکرده و به نقش عوامل و تعیین‌کننده‌های دیگر نیز توجه نماییم.

تحلیل گفتمان عدالت در حوزه سلامت در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در بطن گفتمان

جامع انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد به رغم آن که عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیاست‌های اصلی و محوری تمامی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. اما مسئله عدالت اجتماعی هم چنان با مشکلات نظری و عملی زیادی در حوزه‌های مختلف روبه‌رو است، چون دیدگاه سیستمی و ترکیبی به معنای جامع خود، یعنی توجه به «برابری فرصت‌ها و منابع» و «در نظر گرفتن شایستگی و استحقاق‌ها» و در عین حال «پرداختن به اصل جبرانی و مکانیزم حمایتی از آسیب دیدگان» و «اصول مختلف قانون اساسی» و «دیدگاه رهبران انقلاب مانند شهید مطهری و، امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری» به صورت توأمان در هیچ دولت‌ها تحقق نیافته است. این امر ناشی از عوامل مختلفی از جمله «نگرش سطحی و نه چندان دقیق نسبت به مفهوم عدالت اجتماعی» «از دیدگاه رهبران انقلاب و قانون اساسی و اسلام»، تک بعدی و تک سویه از عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب، گسست بین آرمان‌های انقلاب و قانون اساسی و عدم تداوم گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام و شهید مطهری و رهبری است.

اگر مطالعات نظری و عملی پیوسته و دقیق‌تری صورت می‌گرفت و تداوم گفتمانی در حوزه عدالت در طول این سال‌ها رخ می‌داد، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های منسجمی را سبب می‌گردید و مطمئناً این می‌توانست دستیابی بیشتر و جامع‌تری به عدالت اجتماعی را پی داشته باشد، که در قالب آن، سهم دولت و آحاد جامعه از هزینه‌های مربوط به بخش سلامت و آموزش و توزیع درآمد و ثروت و ... به صورتی عادلانه تقسیم شود. در طول چهار دهه گذشته، با وجود تجربه گفتمان‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت محور، شاهد آن هستیم که اکثر هزینه‌های حوزه سلامت، آموزش، فرهنگی، امنیت غذایی، حتی قضایی و سایر امکانات مختلف بر شانه‌های خانوارهای ایرانی سنگینی کرده، و در توزیع درآمد و ثروت و اشتغال و در مقابل دولت سهم ناچیزی از چنین بار سنگینی را متقبل می‌شوند، تسهیمی که ماحصلی جز بی‌عدالتی گفتمان عدالت در حوزه‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران به دنبال نداشته است. این بی‌عدالت در حدی بود و هست که رهبر معظم انقلاب فرمودند: ما در زمینه عدالت عقب هستیم و عقب مانده هستیم و باید از خدا و مردم در این زمینه عذر خواهی کنیم.

بنابراین، علی‌رغم تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر منع تبعیض و اهتمام به توزیع متناسب امکان فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌برداری از منابع طبیعی بین استان‌ها و گستره سرزمینی (اصلی و هشتم) و با وجود تلاش‌های صورت گرفته در این راستا، هم‌چنان شاخص‌ها و یافته‌های پژوهشی حاکی از استمرار نابرابری میان این مناطق‌اند، گونه‌ای از نابرابری که به باور

کاستلز، مختص به درون جوامع نبوده، در سطح جهانی و میان کشورها نیز نشان دهنده روندی ناظر بر نابرابری شدید بین سطوح بالا و پایین جامعه جهانی است. (سید رضایی و پور عزت، ۱۳۹۵: ۴۸۵)

یکی از مهم‌ترین ابزارهای موجود برای تحقق عدالت توسط حکومت‌ها، بودجه است، بودجه ابزار تهیه و تدارک اهداف و مسیر نیل به آن‌ها بوده (شیم و سگل، ۲۰۰۵: ۱) حاکی از یکپارچه‌ترین و جامع‌ترین چارچوب تصمیم‌گیری در حکومت است (لاوت، ۱۹۸۷: ۱۹۱-۲۰۲)، به بیانی، بودجه به نحو منحصر به فردی، چارچوب جامع و خردمندانه‌ای در دسترس قرار می‌دهد تا بتوان برای آنچه حکومت باید انجام بدهد و نحوه انجام آن، تصمیم‌هایی اتخاذ کرد. (هاونس، ۱۹۸۳: ۳۴۱-۳۵۴)

بنابراین، حکومت مکلف است به منظور برقراری عدالت بین همه اقشار جامعه، هدف گذاری کند و در این راه از کلیه ابزارهای خود استفاده نماید. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی، بودجه عمومی است، ابزاری که از آن حتی به منزله «مهم‌ترین اقدام اخلاقی حکومت است. (سید رضایی و پورعزت، ۱۳۹۵: ۴۸۴) بر همین اساس، مردم هر منطقه باید فراخور نیازهای خود، به نحوی از مزایای حیات اجتماعی بهره‌مند شوند که ضمن برخورداری از امنیت، رفاه و آگاهی، به ادراک قابل قبولی از برابری، عدالت و آزادی برسند.

صرف نظر از مبنای واحد و بنیادین تعریف عدالت، نحوه اجرای عدالت نیز از جمله امور بسیار مهمی است که جوامع را متمایز می‌سازد. در این میان، بودجه نقش بسیار تعیین کننده‌ای در نحوه اجرای عدالت اجتماعی در سطوح ملی و منطقه‌ای دارد، به ویژه، رعایت عدالت منطقه‌ای در توزیع و تخصیص و هزینه کرد بودجه که تاثیر بسیار مهمی بر تعیین سرنوشت و ترسیم روند توسعه کشورهای گوناگون می‌گذارد.

در حرکت عظیم انقلاب اسلامی، که مهم‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی آن این است که خط‌مشی انقلاب توسط اسلام تعیین شده، عدالت از اساسی‌ترین و عمیق‌ترین گفتمان‌هاست که بدون فهم آن، درک صحیح از انقلاب و اسلام ممکن نخواهد بود. بی‌شک بدون تصور درست از اسلام در کلیت و تمامیت و با توجه به ویژگی‌ها و اصول آن، نمی‌توان انقلاب را، که در آرمان‌های ژرف اسلامی ریشه دارد، حتی به طور ناقص درک کرد، از همین رو فهم انقلاب و همه گفتمان‌هایش، به ویژه عدالت و معنویت، که اساساً هویتی دینی دارد، بدون شناخت دقیق آن تعالیم میسر نیست. (فخرزادع، ۱۳۸۸: ۳۴)

به رغم اینکه اجرای برنامه‌های توسعه در کشور دستاوردهای مهمی داشته است، اما بر اساس شواهد می‌توان این گونه دآوری نمود که تلاش دولت‌های مختلف ایران برای توسعه همه جانبه، با

موفقیت کامل همراه نبوده است و تصویر واقعی توسعه در ایران با تصور مبتنی بر توسعه سازگار است. بررسی چرایی این موضوع نیازمند نگاه عمیق و موثکافانه به رویکرد و عملکرد دولت‌ها در ایران به عنوان کارگزاران برنامه‌های توسعه است. برای تحلیل و بررسی چگونگی عملکرد توسعه دولت‌ها، توجه به رویکرد آن‌ها نسبت به توسعه ضروری می‌باشد. (فلاح پیشه و شورچی، ۱۳۹۵: ۱۱۸)

بر این اساس، در طول حیات نظام جمهوری اسلامی، به رغم روی کار آمدن دولت‌های مختلف، عدالت اجتماعی همواره از دغدغه‌های دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. با وجود این، مسئله مذکور در طی قریب به چهار دهه گذشته با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبه رو شده است، چرا که سیاست‌های اعمال شده در راستای عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف، بیشتر از اینکه پروسه‌ای و مبتنی بر برنامه‌ریزی مستمر و هدفمند باشد، حالت منقطع، پروژه‌ای و قائم به فرد پیدا کرده است. هر دولتی بر حسب شرایط روز و با برداشت خاص خود از عدالت اجتماعی، آن را تعریف و اجرایی کرده است. از این رو، در هر یک از دولت‌های پس از انقلاب و گفتمان سیاسی و اجتماعی مربوط به آن‌ها، باز تعریف نوینی از مقولات مرتبط با حوزه‌های مختلف را شاهد بوده‌ایم، که حاکی از رویکردهای متفاوت و گاهی تضاد دولت‌های مختلف به این موضوع است.

برنامه‌ریزی در ایران اساساً از فقدان یک رویکرد سیستمی، پویا و مبتنی بر روش‌شناسی روشن رنج می‌برد که در ارزیابی برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی مشهود می‌باشد. تمرکز بر تجربیات سایر کشورها بدون ملاحظات و مقتضیات خاص جامعه ایران و استفاده از منابع فکری وارداتی باعث ابهام و نهایتاً کاستی در روایی و پایایی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی در ایران شده است. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی هم‌چنان دچار ابهام در دیدگاه نظری و عدم استفاده از اصول و روش‌های معینی بوده است.

مقام معظم رهبری نیز اصلی‌ترین ضرورت کنونی جامعه ما را عدالت می‌دانند. ایشان به صراحت در سخنان خود گفتمان عدالت محوری را دغدغه محوری مسئولان دانسته‌اند، «گفتمان عدالت» یک گفتمان اساسی است، همه چیز ماست. منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت، باید آن را داشته باشیم این گفتمان را باید همه‌گیر کنید، به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد، این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید.» (نیکنام و هلالی، ۱۳۸۴: ۱۳۶ - ۱۳۷)

نتیجه گیری

دولت موسوی تعریف دقیق و مشخصی از عدالت اجتماعی ارائه نداده است و این خلا بزرگ در گفتمان او موجب شده است که این دولت بر اساس برداشتهای خود از عدالت اجتماعی دست به انتخاب ابزارهای سیاست‌گذاری بزند. مهم‌ترین دغدغه او وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی بود که از دوران پهلوی به جا مانده و بر این اساس، مبارزه با آن را سرلوحه گفتمان خود قرار داده است.

ولی گفتمان سازندگی هاشمی نیز نتوانست عدالت اجتماعی را تحقق بخشد. محور اصلی انتقاد به این گفتمان، بی‌توجهی به ابعاد سیاسی و فرهنگی عدالت اجتماعی، مبانی فکری اسلام و اندیشه‌های رهبران انقلاب (شهید مطهری، امام خمینی و رهبری) و تاکید یک سویه و افراطی بر رشد اقتصادی و سیاست‌های تعدیل، آسیب‌های فراوانی برای انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی و مبانی فکری و شاخص‌های عدالت اجتماعی مورد قبول رهبران انقلاب ایجاد کرد. در این دوره، ارزش‌های انقلابی، مانند ایثار و شهادت، معنویت خواهی، قناعت و ساده زیستی رفته رفته بی‌رنگ شد و عواملی مانند تحولات سریع اقتصادی و ایجاد رقابت برای کسب قدرت و ثروت، رانت و ارزش‌های مادی در برابر ارزش‌های اسلامی و انقلابی مطرح شد. در نهایت گفتمان سازندگی با ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی روبه رو شد که از بستر آن گفتمان اصلاح طلبی ظهور یافت.

از آفت‌های مهم گفتمان اصلاحات عرضه نظریه‌های ترجمه‌ای، توجه نکردن به مشکلات و مسایل ملموس جامعه ایرانی در باره موضوعات مهمی، هم‌چون، منافع ملی و عدالت اجتماعی بود. عدم پای‌بندی به اهداف اعلام شده مخصوصاً توسعه سیاسی و عدالت اجتماعی و پای‌بند نبودن به آرمان‌های انقلاب و رهبران انقلاب. این آسیب‌ها ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی را ایجاد کرد بستر گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور را فراهم کرد.

گفتمان عدالت‌علی‌رغم مطرح کردن شاخص‌های عدالت مورد نظر رهبران انقلاب و تلاش جهت اجرای آن‌ها، ولی متأسفانه مانند گفتمان‌های سابق بر یکی از ابعاد عدالت اجتماعی، آن هم عدالت اقتصادی تمرکز کرد که از تک بعدی بودن گفتمان ایشان حکایت می‌کند.

منابع

۱. اخباری، محمد، غم پرور، احمد و بزله، احمد، ۱۳۹۴، «تبیین توسعه پایدار سیاسی: مطالعه موردی

ایران»، ژئوپلیتیک، شماره ۳۹

۲. احتشامی، انوشیروان، ۱۳۷۸، *سیاست خارجی در دوران سازندگی*، ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی .
۳. اشرافی، مرتضی، ۱۳۹۰، *تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، وحدت بخش .
۴. اکبری، نعمت الله، فرهمند؛ شکوفه، جمالی، سمیه ۱۳۹۰، «تحلیل فضایی تاثیر سیاست های مالی دولت بر نابرابری درآمد در ایران با رهیافت اقتصاد»، *اقتصاد مقداری*، دوره هشتم، شماره ۳
۵. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۶، «عدالت به مثابه «تعدیل»: درآمدی بر نظریه ی امام خمینی (ره) در باب عدالت ملی و بین المللی»، *دانش سیاسی*، شماره ۵
۶. امیری فر، امیرعلی، ۱۳۷۹، *گامی در ساماندهی اقتصاد ایران امروز و آشنایی با اقتصاد حکومت اسلامی و بازار*، تهران، انتشارات طاووس بهشت .
۷. بشیریه، حسین، ۱۳۸۱، *دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نگاه معاصر .
۸. بهروزلک، غلام رضا و ضابط پورکاری، غلام رضا، ۱۳۹۱، «چالش های نظری عدالت اجتماعی در دولت های جمهوری اسلامی ایران»، *علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم A*، سال پانزدهم، شماره ۵۷
۹. پژوهیان، جمشید، طالبلو، رضا و دیگران، ۱۳۸۷، «مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت های پس از انقلاب اسلامی (اهداف، سیاست ها، برنامه های توسعه و عملکرد)»، *راهبرد توسعه*، شماره ۱۵
۱۰. پور حسین، مهدی، ۱۳۸۴، «اقتصاد عدالت محور از دیدگاه آیت الله رفسنجانی»، *حکومت اسلامی*، شماره ۳۶
۱۱. پیغامی، عادل، ۱۳۸۷، «تحلیل مبادی هستی شناسی و معرفت شناسی مسئله عدالت در اندیشه مرتضی مطهری»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال اول، شماره اول
۱۲. حاضری، محمدعلی، ۱۳۷۷، «مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی با

تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۳. خاتمی، سیدمحمد، ۱۳۷۹، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، تهران، طرح نو.

۱۴. خبرگزاری فارس، ۹ مهر ۱۳۹۳، سایه توسعه سیاسی بر عدالت اجتماعی در دولت اصلاحات، به نشانی <https://www.farsnews.com>

۱۵. خواجه سروی، غلام رضا، ۱۳۸۶، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، شماره ۶.

۱۶. جولانی، محمد، ۱۳۹۶، چالش عدالت و توسعه در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران، پیشرو فناوری قائد

۱۷. ساعی، علی، قاراخانی معصومه و مومنی فرشاد، ۱۳۹۱، «دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش»، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، شماره ۵۶.

۱۸. سید رضایی، میریعقوب و پور عزت، علی اصغر ۱۳۹۵، «رصد چالش‌های سیستم بودجه بندی ایران با هدف توسعه رویکرد عدالت منطقه ای با تکنیک فازی، بررسی های حسابداری و حسابرسی»، دوره بیست و سوم، شماره ۴.

۱۹. صراف، حمیدرضا، برزوئیان صمد، بزرگیان کوروش، ۱۳۸۳، «عملکرد بخش مالی آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه بر اساس برخی شاخص های مالی و اقتصادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بخش آموزش و پرورش.

۲۰. صفری شالی، رضا، ۱۳۹۵، «گفتمان عدالت دولت‌های پس از انقلاب در حوزه سلامت»، مطالعات راهبردی، شماره ۷۴

۲۱. علیزاده، حسین، و رضوی، سبحان، ۱۳۸۰، گلبانگ سربلندی، (۲۰۰۱ سخن و نکته از اندیشه های سید محمد خاتمی، تهران، روزنامه سلام، چاپ اول.

۲۲. فلاحت پیشه، حشمت الله و شورچی، حافظ، ۱۳۸۸، «بررسی مقایسه ای رویکرد توسعه ای

- دولت‌های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت)»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۵.
۲۳. فخرزراع، سیدحسین، «عدالت جوهره انقلاب اسلامی»، *زمانه*، شماره ۸۵ و ۸۴.
۲۴. فوزی، یحیی ۱۳۸۴، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، جلد دوم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.
۲۵. کچوئیان، حسین و آقاپور، علی، ۱۳۸۵، «مطالعه تطبیقی قبل و بعد از انقلاب اسلامی: کندوکاو در نایاب‌های آموزشی در ایران»، *راهبرد توسعه*، شماره ۷.
۲۶. کیخا، نجمه، ۱۳۸۹، *عدالت اجتماعی*، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲۷. مرتجی، حجت، ۱۳۷۸، *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ چهارم.
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، تهران، *دفتر مطالعات اجتماعی - فرهنگی*، شماره ۱۰۲۵۰.
۲۹. مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵، «آسیب‌شناسی نظری برنامه‌های توسعه اقتصادی»، *پژوهش نامه اقتصادی*، شماره ۳.
۳۰. مرشدی زاد، علی، مرتضوی، سیدعیسی، غفاری هاشم‌جین، زاهد، ۱۳۹۰، «بررسی و ارزیابی میزان پای بندی سه رئیس جمهور به ارزش‌های انقلاب اسلامی مورد تاکید امام خمینی»، *معرفت*، شماره ۱۶۹.
۳۱. مصباحی مقدم، غلام رضا، ۱۳۷۰، «بررسی اختلافات موجود در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران»، *نور علم*، دوره چهارم، شماره ۶.
۳۲. مصلی نژاد، غلام عباس، ۱۳۸۴، *آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران*، تهران، قومس، چاپ اول.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *بیست گفتار*، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
۳۴. _____، ۱۳۷۲، *عدل الهی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۵. _____، ۱۴۳۵ ق، *بررسی اجزای مبانی اقتصادی اسلام*، تهران، حکمت.

۳۶. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
۳۷. _____، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
۳۸. _____، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵.
۳۹. _____، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۱.
۴۰. موسوی، سید میرحسین، ۱۳۷۷، *پنج گفتار در باره انقلاب، جامعه، دفاع مقدس*، تهران نشر فرهنگ اسلامی.
۴۱. منیعی، مجید، و خورسند، فاطمه، ۱۳۸۸، «محروریت زدایی و عدالت آموزشی مهم ترین دستاورد دولت نهم در آموزش و پرورش»، *برنامه*، شماره ۳۳.
۴۲. نوایی، علی اکبر، ۱۳۸۰، «آسیب شناسی جدایی دین، توسعه و عدالت اجتماعی»، *بیژن و هوش های اجتماعی اسلامی*، شماره ۳۰.
۴۳. نیکنام، احمد و هلالی، محمد رضا، ۱۳۸۴، *دولت عدالت*، قم، انتشارات تبیین اندیشه، چاپ چهارم
۴۴. هاشمی، سید ابراهیم، ۱۳۸۶، «عدالت در گسترش خدمات درمانی گران قیمت و دارای تکنولوژی پیشرفته در جهت ارتقای سلامت بیمه شدگان»، *تأمین اجتماعی*، شماره ۲۸
۴۵. Havens. H. S. (1983) integrating evaluation and budgeting. In Gerald J. Miller , W. Bartly Hildreth , and Jack rahin (Eds) , 2001. performance – based budgeting : an ASPA classic , pp. 341-354 .Colorado : Westview press .
۴۶. Lauth. T.p.(1987). Budgeting and productivity in state government : not integraed but friendly .In Gerald J. Miller , W. Bartly Hildreth , and Jack rahin (Eds) , 2001 , performance – based budgeting : an ASPA classic , pp. 191-202. Colorado : westview press.
۴۷. Shim .J.K. and Siegel. J. G. (2005) Budgeting basics and beyond. New Jersey : John Eiley and sons. inc.

